

مطالعه تطبیقی حقوق معنوی مؤلف

در این نوشتار به بررسی مطالعه تطبیقی حقوق معنوی مؤلف می پردازیم.



مطالعه تطبیقی حقوق معنوی مؤلف

در عصر حاضر به سبب رشد روزافزون فن‌آوری، ارتباط هر چه بیشتر ملت‌ها و به هم نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مالکیت فکری از اهمیت خاصی برخوردار شده است. حق مؤلف به ۲ نوع معنوی و مادی تقسیم می‌شود. براساس حق معنوی، مؤلف دارای یک سلسله امتیازهای غیرمالی و قانونی است که ارتباط ویژه‌ای با شخصیت وی دارند.

حق انتشار اثر، حق حرمت اثر، حق حرمت نام و عنوان مؤلف □ حق عدول یا استرداد اثر و حق جایزه و پاداش، از جمله حقوق معنوی مربوط به مؤلف هستند که وی می‌تواند به طور مستقیم در زمان حیات از آنها برخوردار شود و بعد از فوت وی نیز اثر آن ادامه می‌یابد. در قانون تمامی کشورهای متمدن برای حمایت از این حقوق، مقرراتی وضع شده است.

از آنجا که بسیاری از آثار ادبی و علمی از مرزهای کشور اصلی خارج و در کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند، حمایت از این حق جنبه بین‌المللی یافته و کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی در

این باره منعقد شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان کنوانسیون‌های برن (۱۸۸۶)، ژنو (۱۹۵۲) و تجدیدنظر شده ۱۹۷۱ پاریس و سازمان جهانی مالکیت معنوی را نام برد.

در حقوق ایران نیز قانون نسبتاً جامعی با عنوان «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسیده است. در این نوشتار، حقوق معنوی مؤلف براساس مقررات و قوانین مزبور و همچنین به طور تطبیقی با حقوق فرانسه و اسلام، بررسی و تحلیل می‌شود.

تعریف حق معنوی مؤلف

قانون‌گذار ایران حق معنوی مؤلف را تعریف نکرده است. اما با توجه به مواد مختلف قانون مصوب ۱۳۴۸ و استفاده از حقوق تطبیقی می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «حقوق معنوی مزایایی است قانونی، غیرمادی و مربوط به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری که به موجب آن، وی برای همیشه از یک دسته حقوق خاص برخوردار است.»

در حقوق فرانسه و کنوانسیون‌های بین‌المللی حق مؤلف، تعریفی از حق معنوی مؤلف ارائه نشده است. برخی حقوق‌دانان از این تأسیس با عنوان «حقوق اخلاقی» (Droit Moral) یاد کرده‌اند. برای نخستین بار در قرن هجدهم میلادی، امانوئل کانت، دانشمند و فیلسوف آلمانی، به حق اخلاقی مؤلف اشاره کرد.

به دنبال آن، حقوق‌دانان این نظریه را تأیید کردند. در سال ۱۹۲۸، کنفرانس بین‌المللی رم برای نخستین بار حق اخلاقی مؤلف را به طور رسمی شناساند و به دولت‌های عضو «اتحادیه برن» توصیه کرد که قوانین حق مؤلف را در این زمینه کامل کنند.

پیشینه حق معنوی مؤلف در کنوانسیون‌های بین‌المللی

هنگامی که کشورها براساس ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی‌شان برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف به وضع قوانین بین‌المللی پرداختند، تا حدودی آثار نویسندگان و هنرمندان در کشور متبوع خود از حمایت‌های قانونی برخوردار شده بودند؛ اما هر چه زمان می‌گذشت و روابط بین‌المللی پیچیدگی و توسعه بیشتری می‌یافت، کمبود مقررات بین‌المللی در حمایت از آثار مؤلفان، بیش از پیش احساس می‌شد.

از آثار فکری تا زمانی حمایت به عمل می‌آمد که در قلمرو حمایتی کشور متبوع مالک اثر قرار داشت؛ اما همین که اثر از قلمرو حمایتی خود خارج می‌شد، قانونی برای حمایت از آن وجود نداشت. از این رو بود که احساس شد برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف باید کنوانسیون‌های بین‌المللی منعقد شود.

با انعقاد کنوانسیون‌های بین‌المللی حق مؤلف از اواخر قرن نوزدهم میلادی، نقطه عطفی در حمایت از این حق به وجود آمد. از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی در این باره، کنوانسیون‌های برن و ژنو هستند که هر یک به نوبه خود توانسته‌اند در سطح جهانی، حق مادی و معنوی مؤلف را از تعرض

سوءاستفاده‌کنندگان مصون بدانند.

کنونسیون برن در ماده ۶ خود به حمایت معنوی از آثار پدیدآورندگان پرداخته [۱] در ماده ۱۱ به بعد، به نحوه حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان اشاره کرده و در ماده ۱۲، حق جرح و تعدیل و دیگر تغییرات نویسندگی در اثر را برای مؤلف پیش‌بینی نموده است که خود یکی از حقوق معنوی مؤلف می‌باشد.

قلمرو حق معنوی مؤلف

براساس مبانی فلسفی، حق معنوی مؤلف ارتباطی میان شخصیت مؤلف با اثرش است. ارتباط جدانشدنی آثار ادبی و هنری با شخصیت پدیدآورندگان آنها موجب شده است حقوقی برای این اشخاص در عرف، قانون و شرع شناخته شود. به لحاظ طبع و فلسفه پیدایش این حقوق، آنها دارای احکام خاصی هستند که متفاوت با احکام مربوط به حقوق مادی است.

حق معنوی ویژگی‌ها و خصوصیتی دارد که ابتدا به ذکر این ویژگی‌ها پرداخته و سپس، انواع حقوق معنوی مؤلف را بررسی خواهیم کرد.

حق معنوی غیر قابل انتقال است

معنای این عبارت آن است که انتقال این حق به موجب قرارداد جایز نیست [۲] چنان‌که دیگر حقوق شخصی نیز بدین‌گونه است. طبیعت و هدف این حق اقتضا میکند که مانند دیگر حقوق مرتبط با شخصیت، غیرقابل نقل و انتقال و خارج از قلمرو داد و ستد باشد.

پرسشی که در این زمینه مطرح میشود این است که آیا معنای غیرقابل انتقال بودن حق معنوی که در ماده ۴ <قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان> آمده است، انتقال این حق از طریق ارث و وصیت نیز می‌باشد؟

در حقوق فرانسه مقرر شده است که حقوق معنوی پدیدآورنده پس از مرگ او به کسی که به موجب وصیتش برای اعمال این حقوق و در واقع برای حفظ حرمت پدیدآورنده و اثر او تعیین شده است، منتقل میگردد؛ اما چنانچه کسی به موجب وصیت تعیین نشده باشد، این حقوق به ورثه پدیدآورنده منتقل می‌شود. در حقوق ایران نص صریحی در این خصوص دیده نمیشود.

اگر ظاهر ماده ۴ این قانون را ملاک قرار دهیم که مقرر می‌دارد: <حقوق معنوی پدیدآورنده غیرقابل انتقال است>، باید بگوییم که این حقوق، غیرقابل انتقال از طریق ارث و وصیت هستند [۳] همانطور که نمیتوان به موجب قرارداد آنها را انتقال داد؛ اما این تفسیر از ماده ۴ درست نیست؛ زیرا حمایت از شخصیت پدیدآورنده منحصر به زمان حیات وی نیست و حقوق معنوی او بعد از مرگ باید توسط قائم مقام وی به اجرا درآید.

از سویی، ورود لطمه به شخصیت و حیثیت علمی، هنری و ادبی مؤلف بعد از فوت او، لطمه به

شخصیت بازماندگانش محسوب می‌شود و موجب تألم روحیشان میگردد. از این رو آنان یا هر کسی که پدیدآورنده در زمان حیات خود برای این کار تعیین کرده است، بعد از مرگ وی متولی این کار خواهند بود. ماده ۴ حقوق معنوی را محدود به زمان ندانسته است. از این رو این حقوق نباید با فوت پدیدآورنده از میان برود.

حال باید دید اگر حقوق مذکور پس از مرگ پدیدآورنده از بین رفتنی نیست، چه کسی باید متولی احقاق این حقوق باشد؟ به علاوه، ماده ۴ برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از سپری شدن مدت حمایت حق مادی پدیدآورنده، عنوان شاکی خصوصی را قائل شده است تا در صورت تجاوز به حقوق معنوی پدیدآورنده که در مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ درج شده است به عنوان شاکی خصوصی اقامه دعوا نماید.

پس با این وصف، تکلیف حمایت معنوی از پدیدآورنده بعد از سپری شدن مدت حمایت روشن است [اما مشخص نیست که در فاصله مرگ پدیدآورنده تا سپری شدن مدت حمایت مادی که وزارت ارشاد متولی حفظ حقوق معنوی پدیدآورنده است، چه کسی و چگونه از حقوق معنوی او محافظت خواهد کرد.

بنابراین با توجه به لزوم حمایت از پدیدآورنده حتی پس از مرگ وی و تأکید ماده ۴ بر تحدید نکردن حمایت به زمان و مکان، به نظر می‌رسد اعمال حقوق معنوی بعد از فوت پدیدآورنده با کسانی است که وارث حقوق مادی وی هستند.

بعد از پایان مدت حمایت مادی، وزارت ارشاد قائم مقام پدیدآورنده در خصوص حقوق معنوی او خواهد بود؛ زیرا ورثه ادامه‌دهنده شخصیت و حافظ احترام پدیدآورنده هستند. حقوق پدیدآورنده که به ایشان منتقل شده، رنگ دیگری مییابد و اختیارات مربوط به آنان از آنچه خود پدیدآورنده داشته، محدودتر است.

اما برخی از حقوق‌دانان معتقدند که ماده ۴ تنها ناظر به انتقال از طریق قرارداد میان زندگان است و از این رو حقوق معنوی پدیدآورنده را قابل انتقال از طریق ارث و وصیت می‌دانند. درست است که مؤلف حق دارد اثر را به خود منتسب کند و دیگران نیز باید این حق را محترم شمارند؛ اما این سخن بدان معنا نیست که پدیدآورنده نتواند توافق کند نامش روی اثر ذکر نشود.

ذکر نشدن نام با فقدان حق انتساب ملازمه‌ای ندارد و ناشران میتوانند با رضایت پدیدآورنده، اثر او را بدون ذکر نامش منتشر کنند. بنابراین هرگونه توافقی در این خصوص منع قانونی ندارد. نظر قانون آن است که صاحب اثر نتواند حقوق خود را به دیگری منتقل نماید، به طوری که منتقل‌لیه نام خود را به عنوان پدیدآورنده اثر اعلام کند.

براین اساس، هرگونه قراردادی در این زمینه محکوم به بطلان است و در نتیجه، شایسته نیست از سوی قانون‌گذار تأیید و حمایت شود. موضع کنوانسیون‌های بین‌المللی، از جمله کنوانسیون برن در زمینه قابلیت انتقال حقوق معنوی مؤلف مبهم است.

کنوانسیون برن به موجب بند یک ماده مکرر، مقرر میدارد: <مستقل از حقوق مادی و حتی پس از انتقال حقوق مزبور، مؤلف حق ادعای تألیف اثر را دارد و می‌تواند به جهت تحریف، تبدیل و هرگونه تغییر و

عمل موهن نسبت به اثر مزبور که موجب ورود لطمه به احترام و شهرت او میشود، اعتراض نماید. از این بیان، انتقال حقوق معنوی مؤلف معلوم نمی‌شود.

نویسنده: صمد حضرتی شاهین‌دژ (قاضی دادگستری شهرستان سلماس – نقل از نشریه ماوی)

همچنین بخوانید: بررسی اقدامات تامینی در حقوق تطبیقی

منبع: www.lawgostar.com